تماشاخانه

نوشتاری درباره نمایش جدید مزدک میرعابدینی

عصیان ماهی‌سیاه کوچولو

امیرحسین سیادت

● عنوان نمایش اشـاره‌ای اسـت سرراست به منابعش: «در انتظار ماهی سـیاه کوچولو». یک طـرف درام مزدک میرعابدینی داستان دلپذیر بهرنگی است و سویه دیگرش متن عبث‌نمای بکت؛ دو متن که شـاید در نگاه نخسـت بی‌ارتباط بنمایند اما عمیق‌تر که در آنها بنگریم، می‌بینیم وجوه اشتراک و افتراق‌شان چنان نسبتی معنادار با یکدیگر دارند که گویی یکی ورای افق تاریخی دارد به دیگری پاسخ می‌دهد. اندیشـیدن به روزهای بهتر و سودای خلاصی از مصایب و ملال هرروزه، از مایه‌های اصلی هر دو متن است اما نحوه برخورد با همین مایه اسـت کـه راه آنها را جدا می‌کند. قهرمان قصه بهرنگی کنشمند و اهل حرکت است. تفکـر، آگاهی و مهم‌تر از همـه اراده برای رفتن، به‌عنوان سـه ویژگی اصلی وی خلاف رسم سایر ماهی‌هاست؛ آنها راضی‌اند به ماندن و تن دادن، ناراضی هم اگر باشند ترجیح می‌دهند در همان مقر تنگ و بی‌روزن خود جولان دهند بلکه روزی، معجـزه‌ای رخ دهد، یاری‌دهنده‌ای بیاید. آنها به منتظران نمایشنامه بکت شبیه‌اند؛ به دی‌دی و گوگو؛ کسانی که برخلاف ماهی سـیاه کوچولو گامی به سمت رویاهایشـان برنمی‌دارنـد. آنها مثل همـان تک‌درختی که بر صحنه اسـت سـاکن‌اند. کنتراست چشمگیر قصه بهرنگی تقابل عصیان ماهی سـیاه کوچولوست با سکون فیلسوف‌مآبانه اما جعلی اطرافیانش. در نمایش میرعابدینی اما همین تضاد در سـطحی کلان‌تر میان دو متن مرجع در جریان اسـت. ماهی سـیاه کوچولو بدل شده است به «حلقه گمشده» ولادیمیر و استراگون. در جهان «در انتظار گودو» که ساکنانش کاری جز رفت و برگشتی فرساینده در یک تکه جا و در نهایت ماندن و زنگ زدن و فسیل شدن ندارند، قهرمان کوچک قصه بهرنگی که سراسـر پویایی و جوشـش است نقش‌مایه‌ای رشک‌انگیز می‌نماید که تنها می‌توان در قصه مادربزرگ‌ها سـراغش را گرفت. دی‌دی و گوگو به قصه‌های مادربزرگ‌شـان می‌اندیشند بلکه به لطف آن از تاثیر فرساینده نبض کند انتظار بکاهند، حال آنکه ماهی سـیاه کوچولو قهرمان فوق معمولی قصه‌های کهن نیست؛ پیکره‌ای‌ست مختصر در قواره هر آنکه رخوت پیرامون دلش را زده باشـد و ظرفیتی است نهفته در هر که سودایی بزرگ دارد. شاید مهم‌ترین دستاورد تماتیک درآمیختن این دو متن در نمایش «در انتظار ماهی سـیاه کوچولو» رسیدن به همین تحلیل ساده باشد. سنتز نهایی بیش از آنکه کودکانه به نظر برسـد حکایت کودک‌وارگی اذهان مانده در گل و معلول بی‌عملی است. این جمع‌بندی جدی، جدیتی همسنگ و همه‌جانبه را در اجرا می‌طلبد؛ و «جدیت» این مفهوم کم‌یاب نمایش کودک امروز ما، در نمایش میرعابدینی آنقدر عیان - و در عین حال خوشایند - هسـت که بتوان از کاسـتی‌ها به‌راحتی چشم پوشید. مهم وسواس و خلاقیتی است که برای طراحی افکت‌های صوتی (در کنار حضور به‌اندازه و ساختاری موسیقی)، نور و به خصوص لباس خرج شـده. همه چیز سـاده و موجز است و در عین حال «نمایشی». نیازی به صورتک و گریم یا شناسـه‌های جانوری اغراق‌آمیز و گل‌درشـت نیست. قورباغه‌ها کلاه‌شاپو به سـر دارند و لاتی حرف می‌زنند و باورشان می‌کنیم. لاک‌پشت جامپرپوشی است که کلاه به سر کشیده، قوز کرده و با طمأنینه راه می‌رود و کوله‌پشتی حمـل می‌کند و باورش می‌کنیم. مهـم جدیت، انگیزه و اشتیاقی است که در بازی بازیگران کم‌سن و سال نمایش (بین ۱۰ تا ۱۴ سال) موج می‌زند؛ مهم ادای صحیح گفتار، مهارت قابل‌قبول در استفاده از حجم صدا و پختگی بیان در اغلب آنهاسـت و اینکه چقدر در میزانسـن‌های شلوغ هماهنگ‌انـد و چقدر در صحنه‌های خلوت مسـلطاند و متکی به نفس. باید رفت به تماشای «در انتظار ماهی سیاه کوچولو» تا به این نوآموزان نمایش که پیداست خیال دارند از جویبار جمع‌وجور تئاتر کودک بگذرند و راهی دریاهای دور شـوند دلگرمی داد و به آینده تئاتر این سرزمین امید بست: پنجشـنبه و جمعه، پنجم و ششم دی ماه، ساعت سه عصر، تالار هنر (هفت‌تیر، مفتح جنوبی، جنب ورزشگاه شهید شیرودی، خیابان ورزنده).

خبر روز

روایت «سالگشتگی» در لافیلاتور فرانسه

● شـرق: «سالگشـتگی» راهش را با یک سفر آغاز کرد و از فرانسـه به ایران رسـید و حالا می‌خواهد بعد از پایان اجرایـش بار دیگر راهی سـفری دیگر شـود. جدیدترین نمایش امیررضا کوهسـتانی بعد از پایـان اجرای خود در ایران عازم فرانسـه می‌شـود. این نمایش پیش از اجرا در ایران در سـه جشـنواره «لاباتی» ژنو، جشنواره «دی‌کیوز» روتردام و جشـنواره «اکتورال» مارسـی، بـه روی صحنه رفته اسـت و روز ۲۳دی برای اجرا در فستیوال لافیلاتور به شـهر مولوز فرانسه سفر خواهد کرد. به دلیل این سفر، امکان تمدید اجرای «سالگشتگی» وجود نخواهد داشت و این نمایش تنها تا روز جمعه ۲۰دی به روی صحنه خواهد بود و فقط ۱۱ اجرای دیگر از آن باقی‌مانده است. در این نمایش محمدحسن معجونی، مهین صدری، عبد آبست و بهدخت ولیان بازی می‌کننـد. این نمایش روایت گروه نمایش رقص روی لیوان‌ها هست که بعد از سال‌ها به دلیل مشکلات صدای دی‌وی‌دی آن قرار است صداگذاری شود. «سالگشتگی» در تالار شمس موسسه فارسی‌زبانان AIT هر شب به جز شنبه‌ها ساعت ۱۹ به روی صحنه می‌رود. تالار شمس در خیابان موحددانش (اقدسیه) شرق به غرب، بعد از آجودانیه کوچه نیلوفر، پلاک ۳ قرار دارد.

یادداشت روز

بایدها و نبایدهای موسیقی «زیرزمینی»

محمد سریر
رییس هیات‌مدیره «خانه موسیقی»

مقوله «زیرزمینـی» در تمام دنیا به گروه‌هایی گفته می‌شود که خودشان تمایل دارند به این نام اطلاق شوند. ظاهرا این عبارت یک امتیاز برایشان محسوب می‌شود؛ چون به نظر می‌رسـد یک کار متفاوت و چهره‌ای دیگر از موسیقی ارایه می‌کنند که البته کیفیت آن، قابل بحث است. در کشور ما نیز گروه‌های موسیقی «زیرزمینی» را می‌توان به دو دسـته تقسیم کرد: دسته اول گروه‌هایی هستند که آثارشان در اندازه استاندارد و حرفه‌ای نیست و به‌اصطـلاح گروه‌های غیرحرفه‌ای هسـتند که تمایل دارند وارد صحنه شـوند. این گروه‌ها معمولا تمرین‌های خود را روی سـایت‌های اینترنتی قرار می‌دهند و بعد از بررسـی بازتاب‌هایی که کارشان داشته، سعی می‌کنند با اصـلاح اثر و ایجـاد جذابیت، به صـورت جدی‌تری فعالیت خود را ادامه دهند. دسـته دوم گروه‌هایی‌اند که نتوانسته‌اند مجوزی برای آثارشـان بگیرند؛ از آن‌رو که معمولا مقولاتی در حوزه کلام که حساسیت‌هایی را در جامعه به وجود بیاورد، مجوز نمی‌گیرند. البته خود ما هم در مواردی شـاهد بوده‌ایم که برخی از اشعار و کلام‌های استفاده‌شده در موسیقی برخی گروه‌ها، حساسیت‌هایی را در جامعه به وجود آورده مثلا شعرهای طنزی که ممکن است درباره اشـعار فردوسی و حافظ سروده شده باشد، واکنش‌هایی را در جامعه ایجاد می‌کند. در کل در کلمه «زیرزمینی»، معنای انتقاد و سانسور لحاظ شده؛ هرچند که در همه موارد اینگونه نیست. با این حال بخش جوان جامعه، همیشه ذهنیات، ایده‌ها و نوآوری‌هایی دارد که در مواردی، ممکن است با چارچوب‌های موسیقی ملی و علمی همراه نباشد؛ اما باید به این نکته نیز توجه کرد که موسـیقی، امری جاری و متاثر از شـرایط اجتماعی اسـت. در بسیاری از کشورهای دیگر هم مواردی از هنر تعریف می‌شـود که با سنت‌های آنجا هماهنگ نیست منتها وقتی همین آثار، زیربنای محکمی داشته باشند، بعد از ارایه می‌توانند ماندگار شوند. بنابراین به اعتقاد من باید شرایطی فراهم شـود که چنین گروه‌هایی بتوانند خودشـان را امتحان کنند و بازتاب موسـیقی خود را در جامعـه ببینند. در هر هنری اگر اجازه داده شـود ایده‌ها مطرح شود البته در صورتی که با چارچوب‌های آن کشور نیز هماهنگ باشد، می‌توان ماندگاری را به آزمون گذاشت. به نظرم در این زمینه بهتر اسـت خیلی وسواس نداشته باشیم. قطعا اگر زیرساخت‌های فرهنگی جامعه و رسانه‌ها در اختیار بخش‌های متفکرانه قرار بگیرد، تبلیغات سوء، جایی نخواهد داشت و آثار تنها معرفی می‌شوند اما آثاری که مناسـب باشـند طی زمان و در ارتباط با مردم تکثیر می‌شـود. موسیقی ما انعکاس چند دهه اخیر بوده است. بگذاریم انعکاس دوره ما هم در موسیقی نشان داده شود. فراموش نکنیم که موسیقی، بازتاب شرایط اجتماعی است.

صف «زیرزمینی»ها برای آمدن روی زمین

فرزانه ابراهیم‌زاده

یکی، دو خط شعر معترض یا عاشقانه، چند ساز کلاسیک یا برقی، یک اتاق آکوستیک با امکانات محدود، چند دستگاه کامپیوتر، کمی صدا و اسـتعداد حتی محـدود. اینها، همه ابزاری است که می‌توان در یک زیرزمین فراهم کرد و آلبومی ساخت و خواننده‌ای را روانه فضای مجازی و خانه‌های مردم کرد. بسیاری از خواننده‌هایی که این روزها نامشان در میان خانواده‌ها به‌ویژه نسل جوان تکرار می‌شود از همین جا شروع کرده‌اند؛ از زیرزمین‌های آکوستیک‌شده و نشده... . شاید به همین دلیل هم‌نام این موسیقی که روزبه‌روز رواج بیشتری می‌گیرد به «زیرزمینی» معروف شـده؛ موسیقی‌ای که برای فعالیتش مجوزهای رسـمی نمی‌خواهد، اما دست به دست می‌گردد و در میهمانی‌ها و در دستگاه‌های پخش از «آی‌پد» گرفته تا ضبط ماشین شنیده می‌شود؛ اما خالقان این آثار هیچ دستمزدی بابت آثارشان نمی‌گیرند. به این دلیل که آثارشان را به‌طور رایگان در فضای مجازی قرار می‌دهند و کافی است تا اینترنتی با سرعت معمول ایران یعنی ۱۲۸ کیلوبایت داشته باشـید تا بشـود آنها را گوش کرد. خیلی از این موسیقی‌ها البته غیرمجاز نیست و شاید اگر برخی سختگیری‌ها وجود نداشته باشد، می‌توانند به صورت قانونی منتشر شوند. مانند اتفاقی که برای بسیاری از گروه‌ها و خواننده‌های زیرزمینی در سـال‌های گذشـته رخ داد و شـماری از این خوانندگان توانستند از زیرزمین به روی زمین بیایند. خبرهایی از درون معاونت هنری و مرکز موسیقی برای صدور مجوز برای برخی از گروه‌هایی موسوم به زیرزمینی که می‌توانند مجوز بگیرند بیرون آمده. به‌نظر می‌رسـد که همین گشایش اندک باعث شده تا صفی طولانی از گروه‌های موسیقی که دوست دارند در چارچـوب مرزهای ایران فعالیت کنند؛ در خیابان ادوارد براون و دفتر موسیقی در انتظار صدور مجوز هستند. بخشی از تـلاش این هنرمندان برای دریافت مجـوز به‌خاطر روی خوشـی است که معاون هنری وزارت ارشاد که خود دستی در موسیقی دارد؛ نشان داده است. علی مرادخانی چند هفته پیش در گفت‌وگو با «شـرق» با اشـاره به اینکه قصد دارد به برخی از گروه‌هایی که با مشـکلات کمتری روبه‌رو هستند مجوز بدهد؛ گفت: «سعی می‌کنیم کاری کنیم که چیزی به اسم هنر زیرزمینی وجود نداشته باشد که تبدیل به موضوع مجرمانه شـود؛ وقتی همه از زیرزمین به روی زمین آمدند، در چارچـوب قانون کار می‌کنند. یک بخشـی را هر کاری هم بکنید در جامعه امام زمانی هم باشـد از منحنی نرمال خارج می‌شـوند. در هر صورت ۷۵درصد اصل منحنی مورد بررسـی قرار می‌گیرد و از پنج‌درصدی که در انتها می‌ماند، باید عبور کنید.» نمی‌توان به‌طور قطعی گفت که کدام گروه یا خوانندگان نمی‌توانند مجوز بگیرند. گروه‌های موسـیقی زیرزمینی بیشتر گروه‌های راک هستند؛ سبکی از موسیقی که بیشتر موسیقی معترض و جوان‌پسند است. البته هستند خواننـدگان و گروه‌هایی مانند رضا یزدانی که در زمین راک فعالیت می‌کنند و مجوز کنسرت و آلبوم دارند. اما در کنار این گروه‌های جاز هم از سخت‌گیری‌ها به‌دور نیستند. سبک‌های تلفیقی جاز و پاپ و حتی جاز و سنتی و البته رپ هم یکی از دلایل زیرزمینی‌شدن گروه‌ها شدند. گروه «اوهام» که چند سال پیش با تلفیق موسیقی سنتی و جاز فعالیت می‌کرد در سال ۱۳۷۸ توسط شهرام شعرباف به همراه شاهرخ ایزدخواه (گیتار الکتریـک) و بابک ریاحی‌پور (گیتار بیس) در تهران تشـکیل شد. اولین آلبوم خود، «نهال حیرت» را در تابستان همان سال ضبط کرد و با یک شرکت برای انتشار آن قرارداد بسـت؛ اما وزارت ارشـاد به آنها مجوز نداد. «رستاک حلاج» یکی از خوانندگانی که این‌روزها در انتظار دریافت مجوزش هسـت، با بیان اینکه یک‌سال اسـت تمام مدارک لازم را به وزارت فرهنگ‌وارشـاد اسـلامی داده؛ به «شرق» می‌گوید: «دقیقا نمی‌دانم چرا مجوز نگرفتم. من نه موسـیقی خارج از عرف خوانده‌ام و نه با شبکه‌های ماهواره‌ای غیرمجاز همکاری کردم. تا به امروز هم گفته نشده است که چرا مجوز نگرفته‌ام.»

بیشترین مشکل خوانندگان پاپ به اشعاری برمی‌گردد کـه انتخاب می‌کنند. مشـکل عدم‌صدور مجـوز و برخورد با هنرمندان تنها محدود به هنرمندان موسـیقی نیسـت و ترانه‌سراها هم از این قاعده مستثنا نبودند؛ به‌ویژه ترانه‌سراهایی که در حوزه پاپ و راک فعالیت می‌کنند. حال باید منتظر این صف طویل برای دریافت مجوز ماند و دید آیا زیرزمینی‌ها به زمین می‌آیند؟

طرح: الساندرو گاتو

نقد سایت «راجر ایبرت» بر فیلم «گذشته»

پیاز شیشه‌ای اصغر فرهادی

سحر آزاد

گادفری چشایر، منتقد سینمایی در نقدی که در سایت «راجر ایبرت» منتشر شده، درباره اصغر فرهادی می‌نویسد: «فرهادی با فیلم «جدایی نادر از سـیمین» در سال ۲۰۱۱ بزرگ‌ترین موفقیت بین‌المللی را برای سینمای ایران رقم زد. این فیلم با نمایش در سراسر جهان، جایزه‌های بی‌شماری به‌دست آورد که در بخش بهترین فیلم خارجی‌زبان اسکار به اوج خود رسید.» چشـایر سپس به موفقیت «جدایی» برای مطرح‌شدن بیشـتر فرهادی در سینمای دنیا اشاره می‌کند: «این فیلم، موقعیتی را برای خالق آن ایجاد کرد تا او را برای پرش از ایران به سطح جهانی آماده کند و بتواند با سازندگان فرانسوی، فیلم «گذشته» را بسازد که یک درام درخشـان با موضوع علایق خانوادگی گسیخته است.» او در ادامه به مقایسه فرهادی با دیگر کارگردان‌های مطرح ایران در سطح بین‌الملل می‌پردازد: «به‌کارگیری فرهنگ بومی به‌خصوص سـنت‌هایی که در شعر، فلسفه، ادبیات و سـینما وجود دارد در به‌دست‌آوردن شهرت بین‌المللی برای کارگردان‌های قبلی ایرانی مشـهود بود. فرهادی در مقابل به‌عنوان کسی که از تئاتر برآمده و تحت تاثیر افرادی مانند تنسـی ویلیامز بوده، آمادگی بیشتری برای انطباق با فرهنگ‌های فراتر از خود را دارد.» منتقد آمریکایی سپس نگاهی بـه «جدایـی» فیلم قبلـی فرهادی می‌انـدازد و ادامه می‌دهد: «جدایی، شرح شکاف میان یک زوج است. به‌نظر می‌رسد فرهادی علاقه کمی به سیاست یا نوعی از تحلیل‌های فرهنگی ارایه‌شده‌ای دارد که آن را «فیلم‌هایی که سعی می‌کنند ایران را به جهان نشان دهند» می‌نامد.»

چشـایر در توضیح فیلم «گذشـته» می‌گوید: «سـه شخصیت بزرگسـال این فیلم یک ایرانی، یک فرانسوی و یـک عرب هسـتند. اینها هویت‌هـای فرهنگی کاملا بی‌اهمیتی نیسـتند با این حال سـوژه اصلـی فیلم، این موضوع نیسـت. فرهادی می‌خواهد در دنیایی که به‌طور فزاینده‌ای به‌سمت جهانی‌شـدن پیش می‌رود، تغییرات پی‌درپـی ملیت‌ها را ثبـت کند.» این منتقـد می‌افزاید: «داستان با بازگشت احمد (علی مصفا) از تهران به پاریس شـروع می‌شود تا برای آخرین مراحل طلاق به همسرش ماری (برنیس بژو) کمک کند. این دو در فرانسـه زندگی کرده و از چندسال قبل از هم جدا شده بودند هرچند به‌نظر می‌رسد هنوز هم رشته‌ای از احساسات، محبت و خشم آنها را به هم متصل می‌کند اما ماری می‌خواهد با سمیر (طاهر رحیم) ازدواج کند. سمیر صاحب یک خشکشویی است و رابطه حل‌نشده‌ای دارد که او را معلق نگه داشته است چون همسر او خودکشی کرده و در کما به‌سر می‌برد (این فیلم هرگز توضیح نمی‌دهد سمیر درحالی‌که هنوز همسرش زنده است، چگونه می‌تواند ازدواج مجدد کند، باید فرض کنیم که قانون فرانسـه ایـن اجازه را در شـرایط خاص می‌دهد).» او سپس به شرح شخصیت‌های فیلم می‌پردازد: «هنگامی که احمد و ماری به خانه ماری در خارج از پاریس می‌رسـند، ما شـاهد یک درام از سه بزرگسال و سه بچه هستیم. ماری و احمد بچه‌ای ندارند اما ماری دو دختر از ازدواج قبلی خود دارد. دختر بزرگ‌تر لوسی با بازی پالین برلت، یک دختر نوجوان است. دختر کوچک‌تر ماری لی با بازی جین جستین، همبازی فواد با بازی الیاس آگیاس اسـت که به‌عنوان پسر سـمیر و با توجه به بستری‌شدن مادرش در بیمارسـتان، وقـت زیـادی را در خانه ماری می‌گذراند.» چشایر با بیان اینکه این شخصیت‌ها، عناصر اصلی داسـتان فرهادی را تشـکیل می‌دهند، می‌نویسد: «نزدیک به یک‌سـاعت از این درام با بررسـی احساسات پیچیده و نگرانی درباره هر شش شخصیت به پیش می‌رود اما به‌صورت ناگهانی داسـتان به سطوح عمیق‌تری تغییر می‌یابد.» او سـپس درباره ویژگی آثـار فرهادی می‌گوید: «مُهر ویـژه او را می‌توان در فیلم‌هایش دیـد مخصوصا در دو فیلـم اخیـر او و فیلم فوق‌العـاده «دربـاره الـی». می‌توان از ایـن تاثیرگذاری فرهـادی بـا عنـوان «پیاز شیشـه‌ای» نام برد که روش او برای بیان روایت اسـت و شـاهد لایه‌لایه‌بـودن رمز و رازهای انسـانی هستیم که در فیلم پوسـت می‌اندازند.» او همچنین براین باور است که استفاده از این تکنیک با بهره‌گیری از ظرافت‌هایی که فرهـادی به‌عنوان یک هنرمند به همـراه دارد، اثرگذاری آثـار او را قدرتمند می‌کند. چشـایر در ادامه به تمجید از فیلمبـرداری محمـود کلاری می‌پـردازد و او را یکی از سینماگران بزرگ دنیا توصیف می‌کند که توانسته است پیچیدگی‌های داستان را به زیبایی به تصویر بکشد. این منتقد یکی دیگر از ویژگی‌های فرهادی را در به‌کارگیری مهارت‌های بازیگران می‌داند و می‌گوید در کنار بازی بژو، مصفا و رحیم و سـه کودک داسـتان نیـز در لحظه‌های قابل‌توجـه فیلم شـرکت کرده‌اند، همچنانکـه مواجهه احساسـی سمیر و پسرش در مترو پاریس را حیرت‌انگیز توصیف و به قدرت و طرافت این لحظه اشاره می‌کند. او در نهایت نتیجه‌گیری می‌کند: «این داستان از فیلمسازی می‌آید که میـان خاورمیانـه و اروپا درحال‌گذار اسـت، منطقه‌ای که به‌نظر می‌رسـد در آن هـر موقعیتی برای دینامیسـم رو به جلو به‌طور مداوم از سوی گذشته مورد تهدید قرار می‌گیرد.»

چهره روز

نکوداشت هما روستا برپا می‌شود

تجلیل از «همای حمید» در جشنواره تئاتر

● شـرق: همـا روسـتا ایـن روزها گرفتـار بیماری اسـت و کمتـر در محافل هنـری حاضر می‌شـود. او که در کارنامـه هنری خود فعالیت‌های پرشـماری در حوزه بازیگری به ثبت رسـانده، قرار اسـت امسـال در سـی‌ودومین جشنواره‌بین‌المللی فیلم فجر تقدیر شود؛ تقدیـری کـه ادای احترام به حضور چندین‌سـاله این بازیگر صاحب‌سـبک بر صحنه است. کارنامه روستا او را از سـایر بازیگران سینمای ایران در سبک و اجرا متمایز می‌کند تا آنجا که کارشناسان و منتقدان سینما و تئاتر در ایران از او به‌عنوان هنرمندی که با ارایه سـبکی ویژه سـعی در پیوند بین سینما و تئاتر داشت، یاد می‌کنند. البته روستا چندین سال است که کمتر در عرصه تصویر حضور داشته و بیشتر روی صحنه قرار گرفته است. او در یک سـال گذشته و بعد از درگذشت حمید سمندریان همسر، استاد و همراهش در نمایش «باغ آلبالو»ی چخوف به کارگردانی حسن معجونی در نقش راسکولنیا بازی متفاوتی ارایه کرد. روسـتا که مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشکده هنرهای دراماتیک بخارست دریافت کرده، تاکنون در چند دوره برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم فجر نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقـش اول زن بوده اسـت. این بازیگر در سـال ۱۳۶۶ در فیلـم «پرنده کوچک خوشـبختی» سـاخته پوران درخشنده بازی کرد و نامزد دریافت لوح زرین بهترین بازیگر نقش اول زن از ششـمین دوره جشـنواره فیلم فجر در همان سال شد. «روسـتا» سال۱۳۶۸ در فیلم تمام وسوسه‌های زمین به کارگردانی حمید سمندریان نقش‌آفرینی کرد و نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن از هشـتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌فجر شـد. قرار اسـت در برنامه بزرگداشت روستا بخش‌هایی از فیلم محمدعلی سجادی با عنوان «همای حمید» به‌صورت کلیپ در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآید. مستند «همای حمید» زندگی هنری هما روستا و همسرش زنده‌یاد حمید سـمندریان را مرور خواهد کرد. کار سـاخت این فیلم مستند به‌تازگی آغاز شده و تـا جشـنواره فیلم فجر آماده نمی‌شـود اما به گفته محمدعلی سجادی، کارگردان فیلم «همای حمید»، قرار است کلیپ‌های برگزیده فیلم در ایام برگزاری جشنواره در آیین‌های ویژه نکوداشت پخش شود.

وحدت
مرکز خیریه معلولین عقب مانده گان ذهنی(دختران)
شماره ثبت ۳۹۹۱

یاری معلولین آفرینش زیبایی است
عشق را نثار قلب های مددجویان این خانه کنیم

شماره حساب مشارکت های مردمی
بانک تجارت شعبه اله وردی (پاسداران)
حساب جاری: ۳۶۹۲۶۳۱۷
شماره کارت: ۶۲۷۳ ۵۳۹۹ ۹۱۶۶ ۴۳۴۳
شماره شبا: IR۹۳۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۳۶۹۲۶۳۱۷
به نام مرکز خیریه معلولین ذهنی وحدت
واریز وجه از طریق تلفن همراه با شماره گیری کد
#۹۸۹۸۹۸*۴*۷۳۳*

نشانی : خیابان پاسداران انتهای بوستان دوم خیابان شهید افشاری بالاتر از تالار ساقدوش سمت راست کوچه وحدت
یا از طریق بزرگراه رسالت خیابان بنی هاشم خیابان شهید افشاری ...
تلفن: ۲۲۹۴۹۴۹۵- ۲۲۹۴۲۱۳۲ تلفکس : ۲۲۹۴۷۰۱۴

آدرس سایت اینترنتی:
www.vahdat-mrrcc.com
آدرس پست الکترونیک :
vahdatcharity@gmail.com